



## آشنایی با انواع «عفو» و جرایمی که شامل عفو نمی شوند!

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «آشنایی با مفهوم عفو» را بررسی کنیم.

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «آشنایی با مفهوم عفو» را بررسی کنیم.

عفو و بخشش نهایی از آن پروردگاری است که آدمی را خلق کرده و راه و رسم به تعالی رسیدن را به ایشان نشان داده است، لیکن انسان از راه راست منحرف می شود و سرکشی می کند اما خداوند راه برگشت را نبسته است و می فرماید: «ان الله كان عفوا غفورا»؛ امام علی (ع) نیز حدیثی در بیان بزرگی و جایگاه والای عفو و بخشش آورده اند: «دو چیز است که (عظمت) یا ثواب آنها قابل ارزیابی نیست: یکی عفو و اغماض و دیگری عدل و انصاف». همچنین ما در دعاها پیمان به پیشگاه خداوند التماس می کنیم که «اللهم انك عفو تحب العفو فاعف عنا». در این نوشته قصد داریم شما را با عفو و انواع آن در قوانین حقوقی آشنا کنیم.

عفو در مباحث حقوقی

ولیکن عفو و گذشت در مباحث حقوقی عناوین کاملاً مجزایی هستند. از منظر علم حقوق، جرایم به دو گروه جرایم قابل گذشت و جرایم غیرقابل گذشت تقسیم می شوند. در جرایم قابل گذشت، شاکی که خود می تواند شخص آسیب دیده یا از وراث او باشد، مانند شخصی که در درگیری صدمه دیده است، رضایت می دهد و آسیب زنده یا مقصر را می بخشد، اما در جرایم غیرقابل گذشت، در صورتی که شاکی خصوصی از شکایت خود صرف نظر کند، مراجع قضایی نمی توانند از جرم مجرم گذشت نمایند؛ همچون زمانی که فردی توسط دیگری به قتل می رسد، وراث یا اولیای دم می توانند از قصاص گذشت نمایند اما قاتل تنها از جنبه عمومی جرم که باعث ترس و وحشت مردم می شود، مجازات می گردد.

دلایلی از جمله مصالح اجتماعی، سیاسی و منطقه ای اصلاح فرد بزهکار و فراهم آمدن موجبات تأمی ن زیان شاکی خصوصی، موجباتی برای عفو و بخشش فراهم می کند. عفو به دو قسمت عفو عمومی و عفو خصوصی تقسیم می شود.

تفاوت عفو عمومی و عفو خصوصی

مقصود از عفو عمومی آن است که براساس حکمی و قانونی و اجرایی، دولت یا حکومت، بخشی یا تمامی محکومان و مجرمان را مورد بخشش عمومی قرار می دهد. این نوع از عفو بیشتر در زمان وقوع انقلاب ها یا آشوب ها صورت می پذیرد. اما عفو خصوصی تنها در خصوص برخی از جرایم و مجرمی ن اعمال می شود.

عفو و انواع آن

عفو عمومی تنها در خصوص جرایم تعزیری (مانند فروش مال غیر، تهیه و ترویج سکه تقلبی، تخریب اموال تاریخی و فرهنگی، خیانت در امانت و ...) قابل اعمال است و جرایم حدی (مانند شراب خواری و زنا) قصاصی هستند و مستوجب دیه و حق و الناس بودن شان به طور کلی از شمول عفو مستثنی هستند. مجازات های حدود، فقط در موارد خاص پس از آنکه جرم با اقرار متهم به اثبات رسید و به شرط توبه او، می توانند مشمول عفو شوند.

عفو عمومی مربوط به نظم جامعه است و طرفین دعوا نمی توانند پیرامون آن تراضی کنند. عفو عمومی تمامی آثار محکومیت را منتفی می کند و ناظر به جنبه عمومی جرم می باشد و تأثیری در حقوق شاکی خصوصی مانند پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده، نخواهد داشت.

عفو خصوصی براساس تعریف قانون تنها شامل محکومان می شود و متهمان را دربر نمی گیرد. به این معنا که زمانی می توان برای شخصی درخواست عفو کرد یا فرد مورد عفو قرار می گیرد که حکم محکومی ت او صادر شده باشد و در مرحله اجرای مجازات باشد. در این نوع از عفو، برخی از اشخاص،

از جمله رئیس دادگستری مربوط، دادستان مربوط، قاضی ناظر زندان مربوط، خود شخص محکوم علیه، پدر، مادر، همسر و فرزندان ایشان، مجازند تا درخواست عفو را پیشنهاد دهند. این پیشنهاد پس از طرح در کمیسیون عفو و تخفیف مجازات که در استان تشکیل می‌شود و زیر نظر کمیسیون عفو و تخفیف مرکز می‌باشد، توسط رئیس قوه قضاییه به استحضار مقام رهبری می‌رسد چرا که تأیید نهایی ایشان لازم است.

جرائمی که مشمول عفو نمی‌شوند

در نهایت پس از طی مراحل قانونی آن، در ایام فرخنده سال مانند اعیاد سعید قربان یا غدیر، محکومان بخشیده می‌شوند یا مجازات‌شان تخفیف می‌یابد. اما برخی از جرائم مشمول عفو و تخفیف مجازات نمی‌شوند، از جمله قاچاق عمده مواد مخدر، سرقت مسلحانه، تجاوز و زنا به عنف و مصادیق مهم مجرمانه از قبیل جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم ربایی، جرائم مستوجب حد شرعی، اعدام و سنگسار که با شهادت شهود اثبات شده باشند.